

## ارتباط

این مهم را باید بدانید که خالق یکتا مخلوقات را زوج آفریده است ، آنچه زوج باشد، **بدانید دو عامل زوج، متضاد همدیگر هستند،** در غیر این صورت زوج معنا و مفهومی ندارد چرا که دو عامل زوج از کیفیت و ماهیتی متفاوت برخوردارند، **آنجا که کمیت فراوان باشد و این کمیت از کیفیتی مشابه برخوردار باشد میتوان گفت یک نوع واحد هستند و نمی توان دو واحد مشابه را زوج یکدیگر دانست.**

**برای مثال :** روز و شب هر کدام صاحب کیفیت و یا ماهیتی خاص خود هستند و به همین واسطه زوج یکدیگرند و اما دو تا روز و دو تا شب چون برخوردار از کیفیت مشابه هستند هیچگاه نمی توان از آنها به عنوان زوج یاد نمود، **آنجا که دو عامل متضاد، زوجی را شکل میدهند بدنبال آن حرکت و یا تولدی نو صورت خواهد پذیرفت.**

**برای مثال:** گل درخت ماده با گرده ی درخت نر باهم به اتحاد رسیده ، میوه ویا دانه را به ظهور می رسانند، تعداد بسیاری گل بر درخت **چنانچه گرده ی درخت متضاد خود را دریافت ننماید هرگز حرکتی نو ویا تولد میوه ویا دانه را بخود نخواهند دید**، بسیاری گل بر یک درخت منجر به زیبایی بی مثال آن خواهد شد ولیکن هرگز منجر به شکل گیری ویا تولد درختی مشابه خود نخواهند شد ، این مهم را بدانید چنانچه دو عامل متضاد باهم متحد شوند و آنگاه حرکتی نو ویا تولدی نو را شکل دهند باعث ماندگاری خود خواهند شد **و چنانچه باهم ارتباطی درست برقرار ننمایند و هدفی مشترک را شکل ندهند چون متضاد همدیگر هستند باعث نابودی یکدیگر خواهند شد**، یک عامل مشابه تعداد زیاد آن تنها بسیاری کمیت است و این تجمع ، زیبایی خاص خود را بوجود خواهد آورد ولیکن بی هدف خواهد بود **هدف آنجائی شکل خواهد گرفت که حداقل دو عامل متضاد به اتحاد و همگرایی در آیند و چون افزایش کمیت های متضاد وجود داشته باشد**

میتوان گفت به هدف توانمندتری دسترسی خواهند نمود، در مجموع ایجاد ارتباط بین کمیت های مشابه برخورداری از توانمندی بالاتر است و اما ایجاد ارتباط بین کمیت های متضاد بوجود آورنده ی هدفی قدرتمند تر خواهد شد.

این بدانیم هرکجا هدفی باشد و یا تحولی صورت می پذیرد و یا تولدی اتفاق می افتد و یا مجموعه ای حفظ و قدرتمندتر می شود حتماً عوامل متضاد وجود داشته و به اتحاد و همکاری با یکدیگر در آمده اند دانستیم آنجا که دو عضو متضاد به دنبال دستیابی به هدفی مشترک باشند، ارتباطی مستحکم و پابرجا ما بین این دو عضو شکل خواهد گرفت.

ارتباط میان دو عضو متضاد رابطه مستقیم دارد با هدف مورد نظر، آنجا که خواهان هدف باشیم لاجرم باید ارتباط پابرجا باشد و چون خواهان هدف نباشیم و یا هدف کمرنگ شود این ارتباط نیز قطع و یا کمرنگ خواهد شد.

آنان که خواهان ارتباطی عالی هستند بایست هدفی  
متعالی برای خود جستجو نمایند، آنجا که دو عضو  
متحد در راستای هدفی مشترک هستند حتماً موفقیت  
آنها نیازمند برخورداری در زاویه ی تضادگونه است  
پس **تضاد بین دو عضو لازم و حتمی است والا هدف**  
**از دست خواهد رفت**، حال باید دقت نمود ارزشمندی  
هدف در چه سطحی است، آنگاه که هدف ارزشمند  
است و شما در زاویه و یا زاویه های متضاد همدیگر  
هستید بایستی آن محدوده ها را ما بین خود حد  
ومرزهایی تعیین نمود و هیچکدام از آن حدها عبور  
نکنید تا آنکه نقاط تضاد با هم درگیر نشده و مورد آسیب  
قرار نگیرید، **مادامی که بخواهید در کنار همدیگر عالی**  
**مسیر دستیابی به هدف را طی نمائید بایست نقاط**  
**مشترک همدیگر را شناسا شوید و آنها را توانمندتر**  
**نمائید** تا آنکه فصل مشترک شما توسعه یافته و آنگاه  
ارتباط شما مستحکمتر شود، و آن نقاط متضاد همدیگر  
را شناخته و آنگاه حایلی محکم ما بین آنها گذارید  
و چون با هم هستید متمرکز بر نقاط مشترک خود

شوید، و چون تنها باشید نقاط متضاد را شناخته و در عالم تنهایی نقاط متضاد خود را وسعت دهید، عدم وسعت نقاط متضاد به صورت انفرادی عامل سستی و ناپایداری دو عضو و آنگاه هدف مشترک خواهد شد.

دقت کنید ارتباط موفق یک زوج چگونه باید شکل گرفته و در گذر زمان مستحکمتر شود ابتدا این زوج بایستی هدفی مشترک برای خود جستجو نمایند، آنگاه نقاط مشترک مابین خود را یافته و چون در کنار هم باشند تنها توجه بر این مشترکات داشته باشند، هرگز نقاط متضاد یکدیگر را کاوش ننمایند، به هنگام تنهایی مشترکات متضاد ما بین خود را مشخص نموده و هر کدام نقاط تضاد خود را تقویت نمایند و هیچ توجهی به نقاط متضاد زوج خود نداشته باشند و زوج خود را راحت و آزاد گذارند، آنگاه که هر کدام از زوجین نقاط متضاد خود را وسعت داده و توانمند تر نمایند چون کنار هم واقع شوند با توان بسیار بالاتری هدف را دنبال خواهند نمود.

آنجا که زوجین در کنار هم توجهی بر مشترکات ندارند و تنها توجه بر نقاط متضاد یکدیگر داشته باشند بخواهند این تضادها را از میان بردارند هدف فراموش واز دست خواهد رفت چرا که انرژی حرکتی برای ایجاد تحول ویا از وجود همین عوامل متضاد ساطع می گردد.

دقت کنید سیستم گاز و ترمز در یک اتومبیل دو وجه متضاد یکدیگرند.

**آیا میتوان این دو را همسان نمود؟**

امریکسان سازی، سیستم گاز و ترمز اتومبیل را از کار خواهد انداخت ،برای برخورداری از یک اتومبیل برتر بایستی سیستم گاز را ارتقاء داده و سیستم ترمز نیز ارتقاء داده شود.

**زن و مرد نیز هر کدام طبیعتی خاص خود را دارند،** نمی توان ونباید تلاشی در جهت یکسان سازی این دو نوع طبیعت داشته باشید، بلکه هر کدام باید طبیعت خود را توانمند تر نمایند تا آنجا که لازم شد، برخورداری

از طبیعتی برتر باشند، این اختلاف و یا تضاد طبیعت است که عامل جویائی و حرکت در مسیر هدف خواهد شد، و نوع زندگی را رقم خواهد زد.

آنجا که تضاد جنسیت نباشد و دو نفر یک نوع جنسیت داشته باشند باز هم طبیعت آنها باهم متفاوت است، قسمتی وجوه مشترک دارند و قسمتی وجوه متضاد، گفته شد وجوه مشترک را باهم در کنار هم توسعه دهید و وجوه متضاد را هر کدام برای خود ایجاد توانمندی داشته باشید و هرگز دخالتی در وجوه متضاد یکدیگر نداشته باشید، این امر که به وجوه متضاد یکدیگر می پردازیم وجوه مشترک را به فراموشی میسپاریم باعث گم کردن هدف خواهد شد و چون هدفی را به سختی برای خود دست و پا نمائید مطمئن باشید انرژی برای حرکت در مسیر دست یابی به هدف نخواهید داشت دقت کنید دو عامل وقتی در کنار هم به بهترین بهره وری دست پیدا خواهند نمود که وجوه متضاد بسیار توانمندی داشته باشند و هرگز در

راستای تضاد بایکدیگر درگیر نشوند و حایلهای مورد  
لزوم را به خوبی دریافت کرده باشند.